

چرا نماز می خوانیم؟

مؤلف:

عبدالرؤف الحناوی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

دوستش در بین سخنانش به او گفت:

نگاه تند و تیزی داری. آیا دیدن این دو مرد که دوش به دوش هم می‌روند و چنان هم آوا شده‌اند که گویی یکی از آن‌ها دوست دارد هر آنچه در دلش است برای دیگری بیرون بریزد و آن یکی هم آرزو می‌کند روحش در دستانش بود تا نثار رفیقش نماید مایه‌ی شگفتی نیست؟

- مگر این دو نفر کیستند؟
- یک پدر و پسر. پدری مهربان و پسری قدرشناس، آیا رابطه‌ی بین آن‌ها برایت شادی آور نیست؟
- آری به خدا، مگر پیوندی ارزشمندتر از همدلی و همرنگی که گواه قدردانی و شکرگزاریست وجود دارد؟ مگر انسان در این جهان بدون فامیل و همسایه و همنشین و دوست می‌تواند زندگی کند؟ جز اینکه او اجتماعی آفریده شده است؟
- احساس می‌کنم به ارتباط مردم براساس دلسوزی و احترام متقابل و قبول توانایی‌های یکدیگر باور محکمی داری.
- آری.
- اگر شخصی ارزش‌ها را حفظ نکرد و منکر نیکی‌ها شد؟
- مگر هرکس اندک حیا و مروتی داشته باشد چنین کاری می‌کند؟
- آری، تو.

خشم وجودش را فرا گرفت و خواست به او حمله ور شود ولی به خود آمد و گفت:

چرا؟

- چون تو ارزش خوبی ها و بخشش های خداوند را نمی دانی!

- چطور؟

- مگر خداوند بزرگوار و بخشنده نیست؟

- آری.

- مگر سزاوار سپاسگزاری و قدردانی نیست؟

- آری.

- شکر از او باید چگونه باشد؟

اندکی تأمل کرد و به فکر فرو رفت ولی به نتیجه ای نرسید.

- نمی دانم!

خجالت زده سرش را پایین انداخت و گفت:

مرا راهنمایی کن تا شکرگزار نعمت هایش باشم.

- از دو راه می توان قدردانی و سپاسگزاری خود را نشان داد:

۱- از ته دل و اعماق وجودت به لطف و کرم خداوند اعتراف نمایی، نه تنها با زیانت

بلکه با بر زمین نهادن پیشانی و خوار کردن خود در برابر او.

۲- پاسداری از آن همه بخشش و عطا، و به کار بستن آن ها در راه صحیح طوریکه

موجب رضایت خداوند باشد.

- گفته های راست و دلنشین است، من در حضور تو با خداوند پیمان می بندم که

تا زنده ام نماز را ترک نکنم. اما دوست گرانقدری دارم که او هم مثل من است آیا

حاضری برایش نامه ای بنویسی تا این نصایح به گوش او هم برسد؟ شاید

راهنمایی تو در او اثر گذارد و با انجام نماز رابطه اش با خداوند برقرار شود.

ارزش این کار از هر چیزی بیشتر است.

- به روی دیده با عشق و احترام فراوان، و نوشت:

دوست گرانقدرم

سلام علیک

سخن زیبایی شنیدم دوست دارم آن را به صورت جملاتی برایت بر روی کاغذ بنویسم و امیدوارم که همان اثری که بر من گذاشت در تو نیز داشته باشد.

در این زمانه عده‌ی زیادی نماز را ترک کرده‌اند و انجام آن را بیهوده و طاقت‌فرسا می‌دانند، اگر به آنان توصیه‌ی نمایی بهانه‌جویی می‌کنند که کارهای مهمتری داریم. بعضی هم عُذر می‌آورند که لباسشان تمیز و مناسب نماز نیست و اگر به منزل برگشتیم آن را عوض کرده و نماز می‌خوانیم. اما در واقع دروغ می‌گویند! گروهی هم اعتراف به گناه کرده و اظهار می‌کنند، خداوند بزرگ و مهربان است. در این بین هم عده‌ای بی‌ادب و هوی‌پرست کفران نعمت کرده و نماز و نمازگزاران را مسخره می‌کنند اما باز هم خود را مسلمان می‌نامند، و اگر به سوی خدا دعوت شوند می‌گویند: شنیدیم و عمل نمی‌کنیم!

﴿فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿٤٩﴾ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾﴾
[المدثر: ۴۹ - ۵۱].

«چرا باید ایشان از قرآن رویگردان شوند؟ (۴۹) انگار آنان گورخران رمنده‌ای هستند (۵۰) گورخرانی که از شیر گریخته و رمیده باشند (۵۱)».

ای برادر بیا به درمان دیدگاه این گونه افراد پردازیم و دلایلی که باعث ترک نماز در این اشخاص می‌شود بررسی نماییم.

آیا نماز خسارتی است که انسان باید آن را بپردازد همچنانکه به اجبار باید زیر بار مالیات نا عادلانه برود؟ آیا نماز سبب اتلاف وقت است و انسان وقت اضافی ندارد تا آن را تلف نماید؟

آیا نماز قانونی ناخواسته است که انسان محکوم به پذیرش آن باشد، همانطور که در حکومت‌های دیکتاتوری ناچار است بعضی قوانین سیاسی را بپذیرد؟

آیا نماز مانع آزادی کامل انسان بوده و در تقابل با آن می باشد؟
 آیا نماز حکمی مباح دارد و انسان مختار به ترک یا انجام آن است و هیچ پاداش و تنبیهی در پی ندارد؟
 آیا خداوند نیازمند نماز ماست؟ و بهره‌ی نماز برای انسان چیست؟ و اگر ترک شود چه زیانی دارد؟ و آیا ...؟ و چرا ...؟

سؤال‌های زیادی در ذهن ایجاد می شود و نفس و شیطان به آن‌ها تمایل دارند و اگر پاسخ درستی برایشان نباشد انسان مغلوب شده و مرتکب گناهان خواهد شد و شیطان برای فریب بیشتر ظاهرشان را می آراید. و ناگاه اندیشه‌ی فاسد وارد ذهن شده و فرد به سوی جدال بی حاصل سوق داده می شود و بالآخره آرزوهای دور و دراز او را به آتشی دردناک می کشانند و حتی خودش هم متوجه نیست. اما اگر پاسخ درستی به آن‌ها داده شود و انسان با درایت و تدبیر گره‌ها را باز کند آن پرسش‌ها رنگ باخته و ناپدید می شوند.

و الآن شروع کرده و به تمام پرسش‌های ممکن چنان پاسخ روشنی دهیم که جای تردید برای هیچکس جز نافرمانان ستمگر باقی نماند.

نخست:

نه، دوست عزیز نماز نه خسارتی است که به ناچار تحمّل شود و نه مالیاتی که مجبور به پرداخت آن باشیم بلکه امانتی است که روزی پنج بار باید سراغش را گرفت و این نشانه‌ی وفاداری و درستکاری و صفای دل در آدای حقوق است و انجام وظیفه در آن موجب بهترین پاداش است.

بله نماز نه مالیات و ضرر و زیان بلکه پذیرش حقیقت و سپاسگزاری در مقابل خوبی و گواهی بر پاکی درون همراه با فرمانبرداری بزرگان و اجرای دستوراتشان و تصویر عشق به خداوند و هماهنگی با نظم در خلقت اوست.

مگر نه اینکه همه‌ی انسان‌ها اشیاء و افرادی را که بالاتر از خود تصور می‌کنند بزرگ شمرده و در گرفتاری‌ها و مشکلات از آن‌ها کمک و یاری می‌خواهند و حتی در روزهای مشخصی بر ایشان جشن گرفته و عزیزشان می‌دارند و گاه علامت و رمزی از آن‌ها ساخته‌اند تا دچار فراموشی و غفلت نشوند!

چرا مسیحیان عیسی علیه السلام را خدا تصور می‌کنند؟ و صلیب را بر بام کلیساها نصب کرده و به گردن می‌آویزند؟ و در کلیسا دعا می‌خوانند؟

چرا یهود عزیر علیه السلام را خدا تصور می‌کنند؟ و گرد مقبره‌ای جمع شده و با روشن کردن شمع تورات می‌خوانند و دعا می‌کنند؟ و دیندارانشان عرق چین بر سر می‌گذارند و از زمان اشغال فلسطین ستاره را به عنوان رمزی به کار می‌برند؟

چرا زرتشتیان آتش، هندوها گاو و میمون و گروهی از باطنیه شیطان را پرستش می‌کنند؟

همه‌ی این‌ها خدایانی جز الله را بندگی کرده و مقدّس می‌پندارند و به سوی او تقرّب جست‌ه و نیایش می‌کنند و افکارشان پوچ و بی‌ارزش است چون خدایانشان صاحب هیچ سود و زیانی نیستند.

اما تو به نماز این گمراهان اعتراضی نداری ولی نماز مرا با آن همه ارزش و فایده نمی‌پذیری؟

این‌ها با آن همه بندگی و پرستش متفاوت چه سودی می‌برند؟ و خدایانشان کدام نیازشان را برآورده کرده‌اند؟ آیا به نداهایشان پاسخ می‌دهند؟ آیا کلام‌شان را می‌شنوند؟ آیا به صلاح و فسادشان آگاهند؟ و یا به آنان روزی می‌دهند؟ آیا قادر به زنده کردن و شفادادنشان هستند؟ آیا زیانی را از آن‌ها دور می‌کنند و یا بارانی برایشان می‌بارانند تا به کشت بپردازند؟

نه، نه هرگز چنین کاری نمی‌کنند اما باز هم پرستش می‌شوند. گمراهان در ته دل به پاکی و بزرگی آن‌ها اعتراف کرده و با نمازشان این حقیقت را ثابت می‌کنند.

دوست عزیز اگر شخصی به تو یک تگه شیرینی بدهد و یا در حمل وسایلی کمکت نماید و یا آدرسی را به تو نشان دهد و یا اتومبیلت را هل دهد و یا چیزی را که از دست افتاده برایت بردارد آیا از او تشکر نمی‌کنی و در قلبت از او خشنود نیستی و یا آرزو نمی‌کنی روزی خوبی او را به بهترین شکل ممکن پاسخ دهی ... بله.

من هم مثل تو انسان هستم خوبی را پاس می‌دارم و به نیکوکاری احترام می‌گذارم بزرگی را می‌ستایم و قدردان لطف و بخشش، هر چقدر مردانگی در حقم بیشتر باشد قدر دانیم از آن زیادتر است. و آیا بزرگوارتر و بخشنده‌تر از خداوند کسی هست؟ خدایی که به من عقل و حواس داده و روزی فراوان بخشیده و تندرستی و سلامتی عطا کرده و به آئین راست رهنمون فرموده و فرزند و خانواده عنایت داشته و در سرزمینی پاک و میان دوستان محترم و همسایگان خوب جای داده است.

نه ... در تمام هستی هیچ کس در نیکی به من هم‌تراز خداوند نیست.

آیا قدردان این همه کرم و لطف او نباشم حال آنکه در مقابل کمترین خوبی دیگران سپاس و تشکر می‌کنم؟ تردیدی نیست که تو هم با من موافقی و در این راه تشویقم می‌کنی و حتی اگر من کوتاهی نمایم تو وادارم خواهی کرد، چون تو نمی‌خواهی که من نسبت به خوبی دیگران بی‌تفاوت و ناسپاس باشم.

قدردانی همیشه برابر با نیکی و منزلت شخص نیکوکار است پس تشکر من از شخصی که یک تگه شیرینی به من داده برابر فردی نیست که یک جعبه شیرینی بخشیده است و احترام من به کودکی که مدادم را از زمین بر می‌دارد همچون احترام به شخصیت بزرگی که همان کار را برایم می‌کند نمی‌باشد. و خداوند دوست دارد که من به عنوان تشکر و قدردانی پیشانی بر زمین نهم و این نشان بزرگی و عظمت او در فرمانروایی و تسلیم بودن من در مقابل آن همه خوبی است.

مردم در برابر مجسمه‌های سرکشان که هیچ حسنی ندارند و حتی باعث گمراهی و بدبختی آنان هستند سر فرود می‌آورند و عده‌ی زیادی هم در برابر حاکمان ظالم به نشان

احترام خم می شوند حال آنکه آنان بدترین آفریده های خدا هستند پس من چرا در برابر خداوند سر فرود نیاورم، او که آفریدگار هستی و پروردگار آسمان ها و زمین است؟ نفع و زیان در دست اوست می تواند عطا کند یا منع نماید، زندگی دهد یا بمیراند و ریز و درشت کردار را حسابرسی کند.

دوم:

نماز باعث اتلاف وقت نیست. انسان وقتیکه از هیاهوی کار و داد و بیداد مراجعه کنندگان فارغ می شود و از خستگی خرید و فروش و خرده گیری و چانه زنی و تعلیم و تعلم و درخواست های متفاوت خود را کنار می کشد و به آرامی مقابل خداوند می ایستد سعی دارد جسم و روحش را آرامشی دهد و خشمش را فرو نشاند و هوی و هوس را به بند کشیده و اندک زمانی با معشوقش نجوا نماید.

و الْحَبِّ أَعْظَمَ مَا يَكُونُ إِذَا انْفَرَدْتَ بِمَنْ تَحِبُّ

در اینجا از او درخواست کمک و یاری می کند و می خواهد خداوند حسّ نیکوکاری و بردباری را در او تقویت نماید تا پشتکار بیشتری داشته باشد و اگر با ترشرویی و گفتار نیش دار و رفتار زشتش یکی از بندگان خدا را آزرده طلب بخشش و آمرزش می نماید و این لحظات فرصتی برای اندوختن ذخیره ی معنوی و تسکین محرکات درونی است. و پیامبر ﷺ هرگاه دچار مشکل می شد به نماز پناه می برد و بعد از نبرد سخت و جانفرسا با دشمنان می فرمود: «يا بلال أرحنا بالصلاة» یعنی بانگ نماز سرده تا با خواندن آن از خستگی و گرفتاری های زندگی رهایی یابیم.

انسان موجودی ضعیف و دارای انرژی محدود است نمی تواند همیشه کار کند بلکه نیازمند آرامش و آسایش است و جز با نماز و استراحت به این هدف نمی رسد به همین خاطر خداوند شب و خواب را برای تسکین او قرار داده است. مگر چه مقدار وقت صرف نماز می شود؟ هر چند با تأنی خوانده شود به ربع ساعت نمی رسد آیا نمی توانی

چند دقیق از روز را در بین فعالیت‌هایت به نماز اختصاص دهی در حالیکه زمان زیادی را به بیهودگی و بی‌خوابی می‌گذرانی؟

سوم:

نماز فرمانی سیاسی از جانب حاکمی زورگو نیست تا مردمانش را به اجبار و یا اجبار به انجام آن وا دارد بلکه نماز همراهی با دینی است که انسان بدون اجبار و با اختیار تمام به آن گردن نهاده است.

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ [البقرة: ۲۵۶] «در قبول دین اجباری نیست» و یا قانونی سیاسی نیست که با تغییر شرایط عوض شده و تابع تمایلات حاکمان باشد و نه حکمی بشری که امروز طوری نوشته شده و فردا در ناملایمات سیاسی تعدیل گردیده و در نهایت با تغییر شرایط به کلّ از میان رود و یا اجرائش به دلیل تصویب نشدن به تأخیر افتد و یا اینکه نهایی شدن آن موکول به موافقت صاحبان اصلی قدرت باشد. بلکه نماز یکی از ارکان اسلام و حتی بعد از ایمان مهمترین رکن است.

پس ای مسلمان تا وقتیکه به اختیار و بدون زور به اسلام گردن نهاده‌ای باید احکام آن را به طور کامل انجام دهی. مگر جز اینست که در هر کشوری شهروندان ناچارند قوانین آن سامان را رعایت کنند و در صورت سرپیچی دو راه پیش پا دارند: یا مجبورند احترام گذاشته و اجرا نمایند یا اینکه باید از تابعیت کشور خارج شوند و به دیار دیگری بروند. باعث تحیر است چطور انسان از قراردادهای دنیوی می‌هراسد ولی از آفریننده‌ی آسمان و زمین هراسی ندارد؟ حال با من قضیه را به شکل دیگری دنبال کن. با قرمز شدن چراغ راهنما در خیابان ده‌ها و گاه صدها اتومبیل توقف می‌کنند و کسی جرأت حرکت ندارد و گاه انسان‌های مهمی هم میان رانندگان هستند!

پس چرا انسان‌ها در مقابل نور قرمزی تسلیم‌اند ولی در برابر دستورات خداوند نافرمان شده و به گناه و حریم شکنی می‌پردازند؟ این نشانه‌ی هوشمندیست یا کوتاه‌فکری؟ تو خود به داوری بنشین.

چهارم:

نماز مانع بهره‌گیری از آزادی فردی نیست. همه‌ی انسان‌ها اذعان می‌کنند همچون حیوانات جنگل نیستند بلکه رها از هر قید و بندی آفریده شده و دارای آزادی اندیشه و بیان و کار هستند و این آزادی را تابع نظم عمومی و قانون می‌دانند چون اگر این التزام نباشد نظم اجتماع به هم ریخته و هیچ ملتی پایدار نخواهد ماند و در آن صورت زندگی و منافع همه‌ی افراد دچار خطر خواهد شد.

حتی هیپی‌ها (بریدگان از زندگی واقعی) که هر چه به کامشان شیرین باشد انجام می‌دهند و در خیابان‌ها چون سگ‌های ولگرد به سر می‌برند حق ندارند منحل نظم عمومی شده و قانون شکنی کنند. و حتی دوستان حیوان‌شان در جنگل بر طبق قوانین خاص زندگی می‌کنند و اگر از زیست‌شناسی سؤال کنی گفته‌ی مرا تأیید خواهد کرد و شاید ساده‌ترین مثال حشرات باشند مثلاً یک زنبور عسل با دیگر زنبورهای کندو نهایت همکاری و هماهنگی را دارد و همکاری مورچه‌ها در حمل یک تکه غذا گاه چه دیدنی است.

و تو ای مسلمان در کارهای روزانه‌ات آزادی بخوری یا روزه باشی، بخوابی یا بیدار بمانی، سفر کرده و یا در خانه بمانی، خرید و فروش نمایی اما این آزادی در نظام خداوندی با حدّ و مرز شرعی معلوم و مشخص شده است.

و تو آزادانه می‌توانی از کار دست کشیده و به مسجد بروی و برای لحظاتی در آنجا به شادابی و انرژی دست یابی و سپس به کمک خداوند کار و تلاش را از سرگیری. و تو آزادی تا خود را با نظام خداوند هماهنگ نمایی همان نظامی که همه‌ی اسباب و وسایل خوشبختی و شادمانی تو را در دنیا و آخرت فراهم کرده است. و تو آزادی تا آزادگی خود را حفظ کنی و در برابر هیچ نیرویی در زمین تا وقتیکه قدرت خداوند حامی و پشتیبان توست سر فرود نیاوری.

تو آزادی که هر چه می خواهی بگویی و هر چه دوست داری انجام دهی و هر آنچه برایت جذاب بود بنویسی و یا معامله نمایی اما به شرطی که از حدّ خود تجاوز نکنی چون در این صورت به حریم دیگران تجاوز خواهی کرد و این همان است که اسلام ممنوع کرده و قوانین بشری هم تو را از آن بر حذر داشته اند.

پنجم:

نماز امری مباح نیست که انجامش اختیاری بوده و هیچ پاداش و تنبیهی در پی نداشته باشد بلکه وظیفه ای حتمی و لازم است دارای زمان مشخص و آداب و برنامه ی خاص خود می باشد و تو حق نداری آن را زیاد و کم کرده و به جلو و عقب بیندازی بلکه چون لقمه ی غذا جایش دهان است نه گوش، و یا چون هوا از راه دهان یا بینی به ریه ها می رسد نه از راه پاشنه ی پا.

و اگر تو این حق را داری که درباره ی ضربان قلب و یا اندازه ی ریه های حرفی بزنی می توانی درباره ی نماز هم اظهار نظر نمایی.

اگر تو کارمندی نماز برایت همچون انجام وظیفه و اگر بازرگانی چنان خرید و فروش است. اگر کارت را به خوبی انجام دهی و وظیفه شناس باشی آخر ماه حقوقت را تمام و کمال دریافت خواهی کرد و یا به سود معاملات خواهی رسید ولی اگر از کارت بریدی و وظیفه ات را انجام ندادی به میزان غیبتت از حقوقت کسر خواهد شد و یا به مقدار سستی ات سودی را که آرزویش می کردی از دست خواهی داد.

چه بسیار امور مباحی که همچون واجبات انسان باید در موردشان حساب پس دهد. اگر تونیمه شب صدای رادیوات را تا آخرین حدّ بالا ببری و یا با صدای بلند آواز بخوانی همسایه ها ناراحت شده و سرزنشت می کنند و مأمور با کوبیدن در خانه ات هشدار می دهد که اگر صدای رادیو را کم نکنی یا صدایت را پایین نیاوری بازخواست خواهی شد. مگر گوش دادن به رادیو مباح نیست و تو حق نداری هر وقت و به هر شکل خواستی به آن گوش دهی پس چرا آزادی تو محدود شد؟

جواب: تو مجبوری تابع نظام به خصوصی باشی و حق نداری از آن تعدی کنی. پس آیا کسانی هم که به فرمانروایی و حکمرانی خداوند باور دارند و به دین و شریعت او راضی هستند می توانند هر طور خواستند او را بندگی کنند و به دلخواه نیایش نمایند و یا مجبورند دستورات او را در این باره اجرا نمایند؟

ششم:

بله نماز یک نیاز ضروری و حیاتی است و انسان همچون آب و غذا به آن نیازمند می باشد. زیرا آب و غذا نگهدارنده‌ی جسم و ماده‌ی اساسی زندگی هستند، نماز هم باعث استحکام روح و ماده‌ی اصلی آرامش روان است.

و اضطراب را از دل نمازگزار زدوده و به او پایداری می دهد تا در زندگی همچون نماز محکم و پایدار بایستد. و نماز عامل جدایی مؤمن از کافرست:

«بَيْنَ الْكُفْرِ وَالْإِيمَانِ تَرْكُ الصَّلَاةِ».

مسلمانان ظاهری که به سادگی از دستورات الهی سرباز می زنند برای اسلام چه فایده‌ی دارند؟ مگر چون فرزندی ناخلف که جز نسبت هیچ شباهتی به خانواده اش ندارد نیستند؟ آیا از کسی که به اصلاح خود ناامید است می توان انتظار صلاح داشت؟

ما مسلمانان نمی خواهیم چون کفّ سطح دریا در شمارش میلیونها ولی در عمل دهها نفر باشیم. یک گلوله‌ی پُر از باروت که می توان با آن دشمنی را کشت از انبوهی پوک‌ه‌ی خالی بهتر است.

آیا اگر خیمه‌ای ستون نداشته باشد با هزار میخ هم می توان آن را برافراشت؟ ستون اسلام هم نماز است و نیاز واقعی انسان می باشد چون اخلاق را شکوفا و رفتار را زینت می دهد و انسان را از گمراهی و تباهی بیرون می کشد و از زشتی و بدی بازش می دارد. اگر نمازگزار باور داشته باشد نماز حاضر شدن مقابل پروردگارست چطور خود را به گناه می آلود. و این حضور جز با پاکی دل و نفس و اعضای بدن بدست نخواهد آمد.

چرا با نزول آیه‌ی ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ﴾ [النساء: ۴۳].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حالی که مست هستید به نماز نایستید (۴۳)» اکثر مسلمانان از شراب‌خواری دست کشیدند؟ زیرا می‌دانستند با ارتکاب آن نمی‌توان به خداوند نزدیک شد. مگر نه اینکه مسلمانان روزی پنج بار به حضورش می‌شتابند؟ پس برای ملاقات خداوند باید شراب به کل کنار گذاشته شود.

دوست عزیز نماز حالت دماسنجی را دارد که کرده‌های انسان را هر وقت یک بار می‌سنجد همانطور که پزشک حرارت بدن بیمار را گاه به گاه اندازه می‌گیرد. اگر وضعش خوب باشد می‌گوید: به همین شکل پیش برو و مقاومت کن. و در غیر اینصورت می‌گوید: بر گرد و از نو شروع کن. هرگاه صدای الله اکبر اذان را شنید اندیشیده و می‌فهمد که خداوند از هر چیزیکه او مشغول به آن است بزرگتر است پس از دنیا بریده و به ندای خداوند پاسخ می‌دهد.

مطمئن باش کسی که اهل نماز است احتمال خیر و صلاح در او بسیار است هرچند گناه و انحرافات هم داشته باشد. چون در نهایت روزی نمازش او را از این مسیر بازخواهد داشت و تلاوت قرآن به ناچار غفلتش را خواهد زدود و او را وادار به تدبّر در معانی آیات می‌کند و آنگاه قلبش تکان خورده و روحش بیدار می‌شود. ﴿أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿۴۵﴾ [العنکبوت: ۴۵].

«مسلماً نماز (انسان را) از گناهان بزرگ و از کارهای ناپسند (در نظر شرع) باز می‌دارد(۴۵)».

ولی کسی که قرآن نمی‌خواند هیچ بهره‌ای بدست نمی‌آورد و در گمراهی و گناه غوطه‌ور خواهد ماند.

هفتم:

خداوند به نماز ما نیازی ندارد بلکه ما محتاج او هستیم، او بی‌نیاز از آفریده هاست و آن‌ها نیازمند اویند.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿١٥﴾ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٦﴾ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿١٧﴾﴾ [فاطر: ۱۵-۱۷].

«ای مردم! شما (در هر چیزی، محتاج و) نیازمند خدائید و خدا بی نیاز (از عبادت شماست) و ستوده است (۱۵) اگر بخواهد شما را از میان برمی دارد، و مردمان دیگری را جایگزین شما می سازد (۱۶) و این کار برای خدا مشکل و سنگین نیست (۱۷)».

و خداوند انسان ها را بدون لباس و ثروت و قدرت آفرید در حالیکه توان اندیشیدن نداشتند و میان سنگریزه و خرما فرقی قایل نبودند و بر دفع شرّ و کسب خیر هیچ توانی نداشتند. او به آنان سلامتی و هوش و ثروت بخشید و هر آنچه در آسمان ها و زمین بود در اختیارشان گذاشت و نعمت های آشکار و نهان را بر آنان تکمیل فرمود. پس با این همه بخشش شایسته است صاحب هستی و گنج های آسمان ها و زمین نیازمند نماز ما باشد؟

نه، بلکه نماز ما اعلام عشق و قدردانی از نعمت های اوست.

کسانی که در انجام نماز سستی می کنند همچون ما از نعمت های خداوند برخوردارند و گاهی بیشتر از ما هم به آنان بخشیده شده است در حالیکه ما به بزرگواری خداوند معترفیم ولی آنان ناسپاسی می کنند. مثل اینکه تولد خود را فراموش کرده اند روزی که هیچ چیز نداشتند. و از مرگ غافلند روزی که هر چه اندوخته اند برای بازماندگان جا می گذارند و باید در مقابلش حساب پس دهند. بی ادبی کرده و از بندگی خدا سرباز زدند ولی الان به دام افتاده اند. ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر: ۶۰].

«کسانیکه متکبرانه از بندگی من سرباز زنند با خواری وارد جهنم خواهند شد».

ای بی نماز اگر به اسلام نیاز نداشتی چرا آن را پذیرفتی؟ و اگر به آن باور داری چرا

نماز نمی خوانی؟

آیا از اینکه بگویند فلانی دیندار است و از خدا می ترسد خوشتر نمی آید؟

و آیا به اینکه بگویند گناهکار و دشمن خداست خرسندی؟
 چطور فرمان رؤسایت را می‌پذیری ولی در مقابل خداوند عصیان می‌کنی؟
 مگر رؤسایت نزد تو از خداوند بزرگتر و ارزشمندترند؟ خداوند بزرگوار و بلندمرتبه
 است.

حصین بن عبید به حالت سرزنش و توییح نزد پیامبر ﷺ آمد که چرا قریش را به
 چالش طلبیده و افکارشان را باطل می‌دانی و به خدایانشان توهین می‌کنی. پیامبر ﷺ هم
 با بیان دلیل محکمی غبار از اندیشه‌ی باطلش زدود چنانکه او با آن قلب سخت‌تر از
 سنگش تسلیم شده و ایمان آورد؛ فرمود: حصین چند خدا را می‌پرستی؟ پاسخ داد: بر
 زمین هفت و در آسمان یک. فرمود: اگر دچار مشکل شوی روی به کدامین خواهی کرد؟
 پاسخ داد: به او که در آسمان است. فرمود: اگر ثروت را از دست دهی به کدامیک رو
 می‌کنی؟ پاسخ داد: باز به آنکه در آسمان است. فرمود: خواسته‌هایت را فقط از او می‌خواهی
 ولی برایش شریک قرار می‌دهی؟ حصین مسلمان شو تا سلامتی یابی.

و من هم به تو ای مسلمان که نماز را رها کرده و غافل از خدا و سرانجام تلخت
 هستی می‌گویم: نماز بخوان تا از عذاب دردناک خداوند سالم بمانی چون شایسته نیست
 که خداوند را در گرفتاری بخوانی و در آسایش فراموش نمایی.

هشتم:

هر میوه‌ای که از نماز بچینی سراسر خیر است و برای تو و برادرانت بهره‌ی فراوان
 دارد مگر نمی‌خواهی خداوند گناهانت را بپامرزد؟

روزی پیامبر ﷺ به یارانش فرمود: آیا شما را به آنچه باعث بخشش گناهان و بالا
 بردن منزلت شماست راهنمای کنم؟ گفتند: آری ای رسول خدا ﷺ. فرمود: هنگام
 گرفتاری و مشکلات وضوی کامل گرفتن، به سوی مسجد قدم‌های بیشتری برداشتن و
 بعد از ادای نماز به انتظار نماز بعدی ماندن، این‌ها وسایل نجات هستند.

اگر خداوند گناهت را بیامرزد برادرانت شادمان می شوند چون هرچه برای خود دوست بدارند برای تو هم دوست خواهند داشت.

منافع نماز خیلی بیشتر از آنست که شمارشگری بتواند آن ها را بشمارد و یا قلمی آن را بنویسد، چون نماز دستوری الهی و بندگی در مقابل خداست.

﴿قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ ﴿۳۱﴾﴾ [ابراهیم: ۳۱].

«بگو به بندگان مؤمن من، باید نماز را بگونه‌ی شایسته بخوانند (۳۱)» خداوند چه زیبا آن را توصیف کرده است که:

﴿أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿۴۵﴾﴾ [العنکبوت: ۴۵].

«مسلماً نماز (انسان را) از گناهان بزرگ و کارهای ناپسند (در نظر شرع) باز می‌دارد. (۴۵)».

پس هر چند انسان نتواند همه‌ی منافع نماز را بر شمرد بهتر است تعدادی و لو کم از آن‌ها را ذکر نماید.

هرگاه فساد را از درونت زدودی و ریشه‌های آن را خشک کردی دینت خالص شده و روح و قلبت طراوات می‌یابد و اعضای بدنت سالم و کارت روبراه شده و پایدار می‌مانی. و هرگاه زشتی را نبود کردی و رشته‌های آن را از زندگی بریدی، جامعه و خانواده‌ات را به سلامت رسانده‌ای. نماز یاور تو در برابر مشکلات و گره‌گشای گرفتاری‌هاست:

﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴿۴۵﴾﴾ [البقرة: ۴۵] «و از شکیبائی و نماز یاری جوئید، و نماز سخت دشوار و گران است مگر برای فروتنان».

نماز آسایش دهنده‌ی جسم و فکر از مشغولیت‌های زندگی و خستگی‌های فعالیت است. و عامل مهم پیوند و ارتباط مسلمانان و برابری بین انسان‌هاست، که باعث حفظ نظام زندگی و رشد معنوی و پاکی دل از تمایلات نفسانی و کینه و نیرنگ است با داوم

آن زبان و گوش و دیده کنترل می شوند و با پرورش روح و سرکوب نفس رعایت حقوق دیگران و انجام تکالیف در هر شرایطی آسانتر می شود.

بدون تردید نماز فواید زیادی دارد که هر چند آن‌ها را ندانیم اما در صورت اجرای دقیق و به موقع با حفظ شرایط رکوع و سجود دست یافتن به اهداف ممکن است. مسلمانان صدر اسلام دستورات دینی را بدون توجه به حکمت و فلسفه‌ی آن‌ها انجام می دادند و به دنبال تفسیر و پرسش‌های بی مورد نبودند. اما ضعف نیروی ایمان در بین مسلمانان واعظان را بر آن داشت که برای راهنمایی و ایجاد انگیزه در مردم از تفکر و تعقل بهره گرفته و دلایل و حکمت‌های دستورات اسلامی را استخراج نمایند و همچون سکه‌های رایج در دستان دینداران قرار دهند ولی باز هم نصیحت پذیران کم و شکرگزاران اندکند.

ای مسلمان اندرز من به تو اینست که نماز بخوان و بر انجام سروقت و دقیق آن همت گمار، چون هیچکس در برابر خداوند نمی تواند یاریت کند و یا گناهت را حمل نماید و خداوند هم بهانه‌هایت را نمی پذیرد. اگر دچار عذابش شوی رهایی نداری، نه ثروت و نه فرزند برایت سودی ندارد.

مقام و جوانی ماندگار نیستند و روزی از گذشته پشیمان می شوی که هیچ سودی ندارد. ناگهان مرگ به سراغت می آید در حالیکه تو از آن غافل بودی پس توشه‌ای برگیر و به خود بیندیش و از رفته‌گان عبرت آموز.

بدان نخستین چیزی که در قیامت از آن سؤال می کنند نماز است اگر به خوبی انجام شده بود از زکات و روزه و حج می پرسند و اگر ترک شده بود از نیکی‌های دیگر هر چند زکات داده و روزه گرفته و حج رفته باشی سؤالی نمی شود.

آگاه باش هرکس نماز را به عمد ترک نماید خداوند و پیامبر صلی الله علیه وسلم از او بیزاری می جویند.

بکوش از مسلمانان ظاهری نباشی که گاه اهل نماز و گاهی از آن دورند و نه از منافقان که هنگام ادای نماز تنبلی می کنند و نمازشان ریایی است و خیلی کم خدا را یاد می کنند.

مواظب باش شیطان این سخن را که بسیار بر زبان مسلمانان ظاهری جاریست در دهانت نگذارد که: پاکی به نماز خواندن نیست بلکه به صفای دل و راست بودن با مردم است. گمان می کنند اگر نماز را ترک نمایند مردم را آزرده نمی سازند! سوگند به خدا دروغ می گویند چون هم خدا و پیامبر صلی الله علیه وسلم و هم اهل ایمان را می آزارند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿٥٧﴾
وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٥٨﴾﴾
[الأحزاب: ٥٨].

«کسانی که خدا و پیغمبرش را آزار می رسانند، خداوند آنان را در دنیا و آخرت نفرین می کند و عذاب خوارکننده ای برای ایشان تهیه می بیند (٥٧) کسانی که مردان و زنان مؤمن را - بدون اینکه کاری کرده باشند و گناهی داشته باشند - آزار می رسانند مرتکب دروغ زشتی و گناه آشکاری شده اند (٥٨)».

چه اذیتی در حق خداوند از نافرمانی بدتر است؟ و چه آزاری برای پیامبر صلی الله علیه وسلم ناراحت کننده تر از ترک دستورش می باشد؟ و چه اذیتی برای اهل ایمان شدیدتر از ناچیز شمردن دین و دوری از راهشان است؟

اگر کسانی را دیدی که با اینکه نماز گزارند کار زشت می کنند بدان که هیچکس از لغزش معصوم نیست و گناه آنان ربطی به نمازشان ندارد و تو مسئول اعمال و حسابرس آنان نیستی و مطمئن باش به زودی از گناهان فاصله می گیرند. تو بهتر از ایشان باش و همچون الگو و نصیحتگر عمل کن. چنان کسی باش که نمازش او را از بدی ها باز داشته نه چون کسی که نمازش فقط از خدا دورترش کرده است.

نماز بخوان اگر هوشمندی، به خدا سوگند انسان باهوش نماز را ترک نمی کند. همچون کسانی مباش که هوش و ذکاوت خود را در راه درست به کار نمی گیرند بلکه از هوای نفس و شیطان پیروی می کنند.

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿۱۷۹﴾ [الأعراف: ۱۷۹].

«آنان دل هایی دارند که بدانها نمی فهمند و چشم هایی دارند که بدانها نمی بینند و گوش هایی دارند که بدانها نمی شنوند اینان همسان چهارپایانند و بلکه سرگشته ترند اینان واقعاً بی خبر هستند.

نماز بخوان اگر آزاده و شریفی، انسان های گمراه را الگو قرار مده و از زیادی هلاک شدگان غرّه مشو.

نماز بخوان اگر از کسانی هستی که زیبایی را پاس می دارند و شکرگزار خوبی هایند. نماز بخوان اگر واقعاً مسلمانی و گفتار و کردارت همچون منافقان دو رنگ نیست. نماز بخوان اگر خودت را دوست داری و می خواهی از عذاب دردناک رهایی یابی، و مواظب باش که بر اشتباهت لجاجت و اصرار نکنی تا باعث چیرگی شیطان شده و یاد خدا را فراموش نمایی چون سرانجامت تباهی و زیان است.

نماز بخوان اگر نسبت به پدر و مادرت وفاداری تا خداوند دعا و استغفارت را برای آنها بپذیرد.

نماز بخوان اگر فرزندان را دوست داری تا الگویی خوب برای ایشان باشی، چطور آرزو داری تربیت اسلامی داشته باشند و خودت تابع و تسلیم دین نیستی؟ آیا دوست داری فردا آنان را در آتش عذاب ببینی؟

نماز بخوان اگر به همسرت وفاداری و می خواهی در خیر و سلامت بماند، اگر تو نماز نخوانی نمی توانی انتظار داشته باشی او نماز بخواند؟ آیا اگر اونیکوکار و پرهیزگار

باشد و تو درمانده و گناهکار، سربلند می شوی؟ چطور همسرت به وفاداری تو اطمینان خواهد کرد در صورتیکه تو به پدر و مادر و فرزندان پایبند نباشی؟ نماز بخوان اگر وطنت را دوست داری چون هرکس برای دینش نفعی نداشته باشد هرگز برای وطنش بهره ای نخواهد داشت، و چطور خداوند وطن مردمانی را حفظ خواهد کرد که نعمت‌هایش را منکر باشند؟ مگر نه اینکه یهود به این دلیل بر فلسطینیان غالب شدند چون نمازشان را ترک کرده و آلوده‌ی گناه شده بودند؟ نماز بخوان اگر عاشق خدا هستی چون عاشق را جز مناجات معشوق مسرور نمی کند پس نمازت را قسمتی از مناجاتت قرار بده.

نماز بخوان اگر از خدا ترس داری چون بی‌نمازان را به آتش و عذاب وعده داده است و تو ای بیچاره نمی توانی حرارت خورشید را تحمل کنی پس چطور تاب گرمای آتش را داری؟ آتش دنیا یک هفتادم آتش آخرت حرارت دارد آتش آخرت سیاه و تاریک است و انسان را در آن پرت می کنند. عمق آن هفتاد سال راه است.

دوست عزیز می خواهی در قیامت به تو گفته شود: تو نافرمانی چون نمازگزار نبودی؟ آیا دوستی داری خداوند به فرشتگان تند خویش بفرماید:

﴿خُدُوهُ فَعَلُّوهُ ﴿۳۰﴾ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ﴿۳۱﴾ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴿۳۲﴾ [الحاقة: ۳۰-۳۲].

«او را بگیرد و به بند و زنجیرش کشید (۳۰) سپس او را به دوزخ بیندازد (۳۱) سپس او را با زنجیری ببندد و بکشید که هفتاد ذراع درازا دارد (۳۲)».

آیا با من موافقی که ترک نماز نافرمانی و گناهست و نباید ترک شود؟ آیا سند و پیمانی از جانب خداوند داری که تو را بیامزد؟ مگر این سخن خداوند به پیامبرش ﷺ را نشنیدی که: ﴿قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۱۵﴾ [الأنعام: ۱۵].

«بگو: من اگر نافرمانی پروردگار کنم از عذاب روز بزرگ (قیامت) می ترسم (۱۵)».
 آیا تو نزد خدا عزیزتری یا پیامبرش؟ اگر پیامبر ﷺ با ارزشتر است پس چطور او از خدا می ترسد ولی تو نمی ترسی؟

دوست عزیز اگر مأموری تو را تهدید کند دلت به لرزه می افتد، اگر حاکمی تهدیدت نماید چشمانت از ترس خواب نمی رود و اگر سلطان مملکت تهدیدت کند پشتت از ترس و اضطراب می شکند، پس اگر خداوند انتقام گیرنده و مسلط بر همه، تهدیدت نماید به کجا می روی و از چه کسی کمک می خواهی؟

آیا گریه و ناله ات در برابر آتش باعث نجات می شود؟ اگر نماز نخوانی در این دنیا برای آخرت چه توشه ای می اندوزی؟ و اگر نماز بخوانی چه زبانی خواهی دید؟ کدام سرانجام را دوست داری: کنار خوشبختان در بهشت یا بدبختان در آتش؟ نماز بخوان چون از خداوند بی نیاز نیستی. در خوشی یادش کن تا در گرفتاری به فریادت برسد.

نماز بخوان و همچون مسلمانی نباش که خود را به اسلام منتسب کرده و دعوت به آن می کند ولی اسلام از او دوری می نماید، و مواظب باش چون کلنگی در ویرانی و تباهی دین اسلام به کار گرفته نشوی بلکه همچون شاعر به سلامت بناز:

أبي الاسلام لأب لي سواه إذا افتخروا بقرى أو تميم

نماز بخوان تا برای برادران مسلمانان همچون زرهی باشی. به تعدادشان بیفزا و بازوانشان را محکم کن و دشمنانشان را به زیر سلطه بیاور و از شمار منافقان کم نما.
 نماز بخوان تا خداوند بخشنده خشنود شود و شیطان عصبانی گردد و مکر حيله گران باطل گردد.

نماز بخوان چون نماز نوریست که تاریکی گمراهی و باطل را از بین می برد و در دل تخم هدایت می کارد و تاریکی گورت را روشن می گرداند و در قیامت پیشانی ات نورانی می شود.

نماز بخوان چون نماز بزرگترین عامل پیشگیری از گناهان و محکمترین زنجیر برای به بند کشیدن شیطان و شهوات است.

نماز بخوان چون حساب در پیش و حسابگر دقیق است و بدان که حیوانات در قیامت با مشاهده‌ی وحشت‌ها و سختی‌هایی که برای انسان آماده شده می‌گویند: خدا را شکر که ما مثل شما نیستیم نه در آرزوی بهشتیم و نه از کیفر می‌ترسیم. و آنروز گناهکار آروز می‌کند کاش خاک بود.

و در آخر نماز بخوان ای برادر مسلمانم چون من هم نماز می‌خوانم و برایت آروزی خوشبختی دارم و تا در اسلام برادریم هر آنچه برای خود می‌خواهم برای تو نیز خواهانم. نماز بخوان برای اطاعت از فرمان خداوند که فرمود:

﴿حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ [البقرة: ۲۳۸].

«در انجام نمازها و نماز میانه (عصر) محافظت ورزید و فروتنانه برای خدا بپا خیزید» (۲۳۸)».

و بترس از اینکه در ردیف کافران محشور شوی! چون پیامبر ﷺ فرمود: «العهد الذي بيننا وبينهم الصلاة فمن تركها فقد كفر» (پیمان ما با آنان نماز است و هرکس آن را ترک نماید کافر شده است)

و نماز بخوان چون سوگند به خدا که جز او معبود به حقی نیست من دلسوزانه نصیحتت می‌کنم، خداوند من و تو را از کسانی قرار دهد که گفته‌ها را به دقت گوش می‌دهند و بهترین آن‌ها را پیروی می‌نمایند.

درود و سلام خداوند بر پیامبر و یاران و پیروانش و تمام ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است.